



روز فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی چیست؟

اگر روزگاری پیش در عصر کشاورزی، منبع قدرت و حرکت، «زور بدنی و نیروی بازو» بود، و اگر در دوران اولیه صنعتی و مدرن، عامل تعیین‌کننده سرنوشت بشر، «پول و ثروت و قدرت اقتصادی و قدرت نظامی» بود، در جهان کنونی، دیگر نه از زور برای نقش آفرینی بنیادین کاری ساخته است و نه از زر، بلکه آنچه می‌تواند منشأ و پایه تمام تحولات بشری واقع بشود «فرهنگ» است؛

الف - 1) ویژگیهای فرهنگ:

اگر چه بحث درباره مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، باید از تعریف فرهنگ آغاز شود لیکن به دلیل تکرار در این کار از جانب دیگران و پرهیز از مناقشات و اختلاف دیدگاههای عمیقی که در مورد تعریف فرهنگ وجود دارد و نیز به منظور اجتناب از اطاله کلام، از ورود به این بحث خودداری می‌گردد. فقط برای نزدیک شدن به توافقی در مورد تعریف «فرهنگ عمومی»، ویژگیها و خصوصیات کلی فرهنگ را فهرست‌وار بیان خواهیم کرد. اجمالاً در بسیاری از تعاریف فرهنگ، ویژگی‌های ذیل دیده می‌شود:

1. فرهنگ نظم بخش رفتار افراد و تقویت‌کننده همکاری میان آنهاست.
2. فرهنگ عموماً دو جنبه مادی و غیرمادی دارد.
3. فرهنگ یک امر اجتماعی است یعنی نمی‌توان آن را به یک فرد نسبت داد. مضافاً به فرهنگ همواره یک گروه، یک قشر، قوم و غیره می‌باشد.
4. فرهنگ تغییرپذیر، انتقالی و اکتسابی است.
5. فرهنگ ممکن است جنبه اختصاصی یا عمومی داشته باشد. در مفهوم عمومی مثل میراث اجتماعی بشر و در مفهوم اختصاصی مثل میراث اجتماعی جامعه معینی است.
6. زمان شکل‌گیری فرهنگها متفاوت است.
7. ابزار سازی و سخن گفتن دو عامل اصلی تثبیت موقعیت فرهنگ است.
8. فرهنگ مهمترین و اصیل‌ترین وسیله و ابزار حفظ یک جامعه یا پایدارترین وجه آن است و بنابراین تغییرات آن کند است و هرگز یک شبه فرهنگ جامعه تغییر پیدا نمی‌کند.

9. فرهنگ مورد قبول اکثریت مردم می‌باشد.

10. فرهنگ دو کارکرد اجتماعی و روانی دارد: کارکرد اجتماعی آن جمع‌آوری تعدادی افراد و اشخاص در یک جماعت مشخص است، و کارکرد روانی آن قالب‌ریزی شخصیت افراد است.

11. مفهوم فرهنگ به خودی خود ارزشی ندارد و به همین دلیل، اولاً، هیچ طایفه و قشر و قومی را نمی‌توان بدون فرهنگ نامید، ثانیاً، می‌توان فرهنگها را براساس چهارچوبها و معیارهایی مورد سنجش قرار داد و ارزشگذاری کرد.

12. فرهنگ یک امر تحقق یافته است. فرهنگ یک جامعه، ناظر به کیفیت موجود در آن جامعه است. واقعیتی است که اکنون در آن جامعه وجود دارد. همین ویژگی یکی از وجوه تمایز بین «فرهنگ» و «دین» یا «ایدئولوژی» می‌باشد. زیرا دین یک امر حقیقی ناظر به الگو و وضعیت مطلوب برای آدمی است حال آنکه فرهنگ یک جامعه هیچ‌گاه کمال یافته مطلق و مطلوب نهایی نیست، بلکه همواره قابلیت تکامل دارد.

13. فرهنگ در عین اینکه یک امر واحد است، ولی مرکب و مؤلف از عناصری است که هر کدام می‌تواند ارزشگذاری مثبت یا منفی تلقی گردد. آنچه بعنوان فرهنگ نامیده می‌شود برابندی است از این جهات یا عناصر مثبت و منفی.

الف - 2) تعریف فرهنگ عمومی:

برای تعریف فرهنگ عمومی ابتدا باید منظور از کلمه «عمومی» به کار رفته در این ترکیب مشخص شود. در مجموعه سه احتمال قابل تصور است:

1. «عمومی» صفت برای فرهنگ می‌باشد، اما نه به عنوان تخصیص بلکه به عنوان وصف توضیحی. در این فرض فرهنگ عمومی یعنی فرهنگی که دارای وصف عمومیت است.

2. «عمومی» مضاف‌الیه برای فرهنگ می‌باشد. مطابق این فرض، فرهنگ عمومی یعنی فرهنگی که متعلق به عموم مردم است و مترادف با فرهنگ عامه.

3. «عمومی» وصف و قید مخصوص برای فرهنگ می‌باشد. در اینجا فرهنگ عمومی یعنی عرصه‌ای از فرهنگ که رابطه‌ای مستقیم با عموم مردم دارد و در برابر فرهنگ خاصه قرار می‌گیرد که بخش یا قلمرویی یا جنبه‌ای از فرهنگ قلمداد می‌شود که چندان رابطه مستقیمی با عموم ندارد.

از این سه احتمال، احتمال اول و دوم منتفی است. منظور از فرهنگ عمومی بیان یکی از ویژگیهای فرهنگ که تعلق آن به عموم مردم است نمی‌باشد. همچنین مراد این نیست که بخواهیم یکی از شئون عموم مردم را که همانا فرهنگ است بیان کرده باشیم، بلکه منظور از فرهنگ عمومی وجوه یا ابعاد یا قلمروهایی از فرهنگ است که با عامه مردم ارتباط می‌باشد. در نتیجه آن جنبه‌ها یا وجوهی که مرتبط با بخشهای خاص، اختصاصی و تخصصی است، از مفهوم فرهنگ عمومی خارج است.

الف - 3) ویژگیها و شاخصهای فرهنگ عمومی:

فرهنگ عمومی چیست؟

1. فرهنگ عمومی دارای دو جهت «عینی» و «اعتباری» است که می‌بایست هر دو را مدنظر داشت. هیچ کس بهتر از مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، این دو بعد فرهنگ عمومی را تبیین نکرده‌اند. از نظر ایشان فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش آن ظاهری و بارز مثل: شکل لباس و شکل معماری است که تأثیر خاصی بر روی ذهنیات و خلیات و منش و تربیت افراد دارد و بخش دیگرش مربوط به امور نامحسوس مثل اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم، وقت‌شناسی، وجدان کاری، مهمان دوستی و احترام به بزرگترهاست.
2. فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه و تشکلهای سازمانهای غیردولتی (غیررسمی) است. برخلاف حوزه فرهنگ رسمی که در نهایت، اجبار فیزیکی از آن حمایت می‌کند، حوزه فرهنگ عمومی عمدتاً بر پذیرش و اقناع استوار است و عدم پایبندی به آن مجازات، به معنای حقوقی کلمه، را در پی ندارد. به عبارت دیگر مفهوم فرهنگ عمومی در تقابل مردم - دولت مفهوم پیدا می‌کند.
3. فرهنگ عمومی مؤلفه‌هایی از فرهنگ است که تأثیرات آن عام و فراگیر می‌باشد و عامه مردم در کیفیت آن نقش دارند و از شیوه رفتارهای عمومی مردم یا عرف و عادات و رسوم و زبان ساخته می‌شود و یا تأثیر مشهود می‌پذیرد و عموم جنبه‌ها و عرصه‌ها و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عموم مردم نسبت به آنها حساسیت و شناخت دارند.
4. فرهنگ عمومی، سازندگان و عاملان خاص خودش را دارد که بر بخشی از آنها دولت نظارت می‌کند. نزدیک شدن به فرهنگ عمومی و اصلاح آن از طریق بخشنامه میسر نیست.
5. فرهنگ عمومی مانند کل نظام فرهنگی و فرهنگ، در چهار وجه ظاهر می‌شود: درونی، روانی، نمادی، نهادی و آثار. از این رو می‌توان رگه‌های فرهنگ عمومی را در همه این جلوه‌ها یافت. فرهنگ عمومی، در کنار فرهنگ رسمی، در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی، خانواده، حکومت، اقتصاد و آموزش و پرورش و نظایر اینها حضور دارد. از این رو نمی‌توان آن را به حوزه مشخصی محدود ساخت.

مجتمع آموزشی غیر انتفاعی آداب

پرورشی - 14 ابان 1393